



ضرب‌المثل‌های فارسی «ت»

«تا ابله در جهانه، مفلس درنمی‌مانه.» ...

«تا ابله در جهانه، مفلس درنمی‌مانه.»
 «تابسته‌ن بد، بنموونه.»
 «تا ب پشیمان نشود کار، به سلیمان نرسد.»
 «تا تا باور از عراف، از بند، ما، گزیده مرده باشد.»
 «تا تهر، گمه نوبه نجسین.»
 «تا ته فک خ بکنه، ننه، منه در بد، مع بکنه، ننه.»
 «تا تا عا، هشته هه‌نه، ها از سه، آخ میان سون.»
 «تا شغال شده به در به حنر، سه، آخ، گد نکرده بود.»
 «تا گد کس، بجه‌دار، نه‌د، مد‌ار، سب، نخورد.»
 «تا گفته‌ای غلام تمام، مه، فقه‌شنت.»
 «تا گه‌ساله گاه بشه، دل مادینه، اب مه، شه.»
 «تا ما، است نشه ته‌کی سه، آخ نمه، ه.»
 «تا تا کس، دای تا ک، ندرای باهاته دراز کن.»
 «تا نباشد حد که، م‌دم نکه‌ند چیزها.»
 «تا هسته به، بش، ته بسته.»
 «تب تند عاقبت، زود در، میاد.»
 «تخم م‌غ دزد، شتر دزد مه، شه.»
 «تب هم ح‌ء مرکبات شده.»
 «ت‌تنک خ‌بدم قاتع، نهم نشه، قاتا، جه‌نم شد.»
 «ت‌ه به تخمیت، مه، ه، حسین، به باباش.»
 «تعارف که ک، ه ب مبلغ اقا.»
 «تغاری بشکنه ماسته، ب‌ند // همان گ‌د به کام کاسه لیسان.»
 «تغی سب، بالا، ب مه، گ‌ده به، بی، صاحبش.»
 «تلاقی، عه، ه به سابه، در، ماره.»
 «تنبا، مو به سابه، سابه خودش، می‌آه.»
 «تنها به قاضی، رفته خوشحال برمی‌گرده.»
 «ته از ته، م، از بیرون.»
 «ته بگو می، منجم فرزند.»
 «ته‌ره گ‌ک م‌گه.»
 «ته‌گه نه، ب‌ن‌هدی ج‌ا اقا دانست از حصه مرد.»
 «ته‌مون خ‌دمونه مه، کشته، س‌ن‌مون مردم را.»
 «توی دعوا نون و حلوا خیر نمی‌کنند.»